

برد دلچسب برابر آلبی سلسنه



تیم ملی والیبالی ایران در هشتمین مسابقه خود در جام جهانی ۲۰۱۹ به مصاف آرژانتین رفت که این مسابقه با نتیجه سه بر دو به سود ایران خاتمه پیدا کرد. به این ترتیب چهارمین پیروزی ایران و پنجمین شکست آرژانتین در این دوره از رقابت‌ها ثبت شد. ایگور کولاکوویچ برای این مسابقه از ترکیب سعید معروف، امیر غفور، امیرحسین اسفندیار، میلاد عبادی پور، مسعود غلامی، علی اصغر مجرد و محمدرضا حضرت پور استفاده کرد تا کمی وزنه تجربه تیم را سنگین کند. در ست اول آرژانتینی‌ها بازی را بهتر از ایران شروع کردند و با سرویس‌های خود ایران را تحت فشار قرار دادند. این ست با درخشش ایران پایایی پیش رفت تا اینکه در نهایت با نتیجه ۲۷ بر ۲۵ به سود ایران خاتمه پیدا کرد. اواسط ست اول امیر غفور مصدوم شد و جای خود را به پوری یلی داد. ست دوم را هم آرژانتینی‌ها بهتر شروع کردند و با نتیجه ۲۵ بر ۲۳ به پیروزی رسیدند. ست سوم هم پایایی آغاز شد. کارت قرمزی که داور به کاپیتان معروف داد کار را برای تیم ایران سخت کرد. این ست در نهایت با نتیجه ۲۵ بر ۱۹ به سود آرژانتین خاتمه پیدا کرد. شروع ست چهارم با برتری ایران آغاز شد. تیم ایران با عملکرد خوب بازیکنانش توانست نتیجه با نتیجه ۲۵ بر ۱۷ پیروز شود تا کار به ست حساس پنجم کشیده شود. تیم ایران بازی در ست پنجم را بهتر شروع کرد. این ست در نهایت با نتیجه ۱۵ بر ۱۰ به سود ایران خاتمه پیدا کرد. آرژانتین در روز اول این مسابقات، مقابل تیم قدرتمند آمریکا برنده شد و در ادامه از سد تونس گذشت. با این حال این تیم در ادامه مقابل تیم‌های ایتالیا، لهستان، ژاپن و برزیل شکست خورد. تیم آرژانتین در آخرین بازی خود موفق شد کانادا را شکست دهد تا نوار تا کامی‌های خود را پایان دهد. تیم ایران هم پیش از این مقابل تیم‌های روسیه، مصر، برزیل و آمریکا شکست خورده بود و تیم‌های کانادا، استرالیا و تونس را هم شکست داده بود. تیم ملی والیبالی ایران در این مسابقه ۵۲ امتیاز از اسپک، ۱۳ امتیاز از دفاع روی تور، هشت امتیاز از سرویس مستقیم و ۳۶ امتیاز از اشتباهات آرژانتین کسب کرد. در طرف مقابل آرژانتینی‌ها هم ۵۹ امتیاز از اسپک، ۸ امتیاز از دفاع روی تور، ۱۱ امتیاز از سرویس مستقیم و ۲۴ امتیاز از اشتباهات تیم ایران کسب کردند. تیم ملی والیبالی ایران در بازی نهم خود باید روز یکشنبه، ۲۱ مهر از ساعت ۱۳:۵۰ به مصاف ژاپن، میزبان مسابقات برود.



موسوی، بمب نقل و انتقالات

با اعلام رسمی باشگاه اولشتن لهستان، سیدمحمد موسوی در فصل جدید به این تیم پیوست. این تیم فصل گذشته در جایگاه دهم پلاس لیگا قرار گرفت. حضور موسوی در لیگ لهستان بازتاب زیادی در رسانه‌های ایلیالی جهان داشت. سایت worldofvolley در این خصوص از تیتیر «بمب نقل و انتقالات» استفاده کرد و نوشت: موسوی اولین حضورش در یک باشگاه خارجی را تجربه می‌کند. «این سایت در ادامه نوشت: «سیدمحمد موسوی، فوق ستاره والیبالی ایران فصل آینده در تیم اولیشتن حضور خواهد داشت. دارنده ۳ مدال طلا در رقابت‌های قهرمانی آسیا، ۲ مدال طلای بازی‌های آسیایی و همچنین بهترین مدافع مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۹ برای اولین بار در طول زندگی ورزشی خود قرار است در یک لیگ خارجی بازی کند.» در ادامه مطلب سایت worldofvolley آمده است: «سرعتی زن ۳۲ ساله والیبالی ایران، ۱۱ بار طلای لیگ ایران را به ۴ باشگاه مختلف کسب کرده و سال‌هاست که یکی از مهم‌ترین بازیکنان تیم ملی ایران محسوب می‌شود. موسوی از شهرداری ارومیه به اولیشتن رفت و جایگزین تیلور آوریل شد. باشگاه اولیشتن ابتدا با این بازیکن آمریکایی به توافق رسید، اما مصدومیتش موجب شد تا او نیاز به چند ماه استراحت داشته باشد؛ به همین دلیل مسئولان باشگاه موسوی را جذب کردند.»

آزادی و جشن متفاوتی که روی سکوها برپا شد

خانه‌ای در غرب تهران!

آنها بالاخره آمدند. پرچم‌ها را برداشتند، از ضلع شرقی ورزشگاه رد شدند، در همخوانی با بلندگوهای استادبوم و آهنگ معروف سالار عقیلی، «حسرت و امید» را در یک ردیف کنار هم قرار دادند. در لحظاتی از بازی برای شکسته شدن یک طلسم بزرگ و رسیدن به یک آرزوی دیرینه اشک ریختند. ۱۴ گل تماشا کردند و سرانجام به خانه برگشتند. همه این اتفاق‌ها رخ داد اما نه آسمان به زمین آمد و نه آب از آب تکان خورد. حالا بهتر است همه مخالفان ورود بانوان به ورزشگاه‌ها، ماجراهای دیدار با کامبوج را دوباره تماشا کنند و ببینند که «خانوادگی» شدن ورزشگاه، تا چه اندازه جو استادبوم‌ها را تلطیف می‌کند. ما برابر کامبوج، ۱۴ گل زدیم اما پیروزی اصلی، روی سکوها رقم خورد.



اتفاق پیدا کنند. در آزادی‌ما، همه چیز فوق العاده پیش رفت. خانم‌ها از چند ساعت قبل از شروع بازی، با پوشش‌های متفاوت، سلیقه‌های متفاوت، باورهای متفاوت، علایق فوتبالی متفاوت اما هدف یکسان، خودشان را به ورزشگاه آزادی رساندند. استادبومی که همیشه سخت و زمخت بوده، با حضور آنها سر و شکل دیگری پیدا کرد. پیش از گیت‌ها، باهندوانه و شربت از آنها پذیرایی شد تا همه چیز درست‌مثل یک مهمانی پیش

آزاد هنوز

چند ساعت قبل از شروع مسابقه، هنوز نگرانی‌هایی در مورد سکوها ضلع شرقی آزادی وجود داشت. یک اتفاق ناهنجار و یک داستان تلخ، کافی بود تا گروهی از تماشاگران زن برای همیشه قید ورود به استادبوم را بزنند. یک ماجرای نامیدکننده کافی بود تا مخالفان ورود زنان به ورزشگاه‌ها، پهنه کافی را برای جلوگیری از تکرار این

سوژه روز

نگاهی به روز باشکوه ورزشگاه آزادی

پدیده‌های زمین، پدیده‌های سکو!

آزاداری

سومین برد پرگل تاریخ تیم ملی، در مسابقه خانگی با کامبوج به دست آمد. بعد از خاطره پیروزی‌های ۱۹ گله برابر گوام و ۱۷ گله برابر مالدیو، حالا ایران یک خاطره فوق العاده دیگر در فوتبال آسیا خلق کرد. یک گل زود هنگام، حریف را خیلی زود در معرض ناامیدی قرار داد و ستاره‌های تیم ملی نیز، روز درخشانی را پشت سر گذاشتند. آن چه این مسابقه را به یک جدال تاریخی برای فوتبال ایران تبدیل کرد، تنها ردوبدل شدن ۱۴ گل نبود. پیش از سه هزار زن در این نبرد از نزدیک شاهد پیروزی بزرگ تیم ملی بودند و به استادبوم آزادی، فضایی رنگارنگ تر و زیباتر از همیشه بخشیدند.

تنها چند دقیقه از آغاز بازی با کامبوج سپری شده بود که شلیک تماشا سایی احمد نوراللهی، به تور دروازه حریف رسید. همین گل، کافی بود تا حریف به سرعت تسلیم شود. در ادامه مسابقه، دیگر حرفی برای گفتن نداشته باشد. ایران با درخشش مهاجم‌ها، هافبک‌ها و حتی یکی از مدافعانش، در نیمه اول هفت

اتفاق روز

در باره مارک ویلموتس که همه را به تیم ملی امیدوار کرده است

آرامش پس از توفان!

شاید اگر هر مربی دیگری نیز روی نیمکت تیم ملی حضور داشت، ایران می‌توانست ۶ امتیاز کامل را از دوبازی با هنگ‌کنگ و کامبوج به دست بیاورد اما آن چه پروژه مارک ویلموتس را در فوتبال ایران جذاب می‌کند، نگاه مثبت، متفاوت و امیدوارکننده این مربی است. در درجه اول، او با فهرست جدیدش نشان داد که چقدر به فرم و آمادگی بازیکنان برای حضور در اردوها اهمیت می‌دهد. تیم ملی در سال‌های گذشته، بازیکنانی داشت که تعداد بازی‌های ملی‌شان، همواره از تعداد بازی‌های باشگاهی‌شان بیشتر بود اما ویلموتس، این رویه را عوض کرد. او با محتاطی روی نام ستاره‌هایی مثل سعید عزت‌اللهی و علیرضا جهانبخش قلم‌قرمز کشید تا آماده‌ترین مهره‌ها را

برود. مهم نیست این پذیرایی با چه هدفی صورت گرفت. حتی اگر هدف این کار، خلق یک «ماهش» مقابل ناظران فیفا بود، باز هم می‌ارزید و باز هم جذاب به نظر می‌رسید. بانوان، روی سکوها قرار گرفتند. تقریباً هر هوادار، روی صندلی خودش نشست و خبری از دعوا بر سر بلیت‌ها نبود. شعارها، نظریه‌پردازان همیشه به نظر می‌رسیدند و بازیکنان نیز با قیچی بر گردان‌های‌شان، ثابت کردند که کمی تحت تاثیر این جو تازه هستند. بدون

شک‌اگر مجوز ورود بانوان صادر نمی‌شد، این بخش از ورزشگاه کاملاً خالی می‌ماند و احتمالاً ستاره‌های تیم ملی نیز، نتیجه‌ای از چند گل به حریف ببندند می‌کردند. ورود بانوان، اما شور و حرارت بیشتری به آزادی بخشید و انگیزه پسران ملی پوش را نیز به اوج رساند. اعضای خانواده‌های بعضی از مهره‌های تیم، بین تماشاگرها حضور داشتند و این، یک فرصت فوق العاده برای ستاره‌های ایران بود که برای اولین بار در حضور «همه» اعضای خانواده،

در نخستین بازی ملی‌اش با لباس ایران، دبل کرده بود. مهر داد محمدی نیز در این بازی برای اولین بار پیراهن تیم ملی را پوشید و موفق به جشن گرفتن اولین گل ملی‌اش شد. کریم انصاری فرد گل‌زن‌ترین بازیکن این مسابقه بود که با چهار گل زده، در مرحله مقدماتی جام ملت‌ها در منطقه آسیا پنج‌گله شد و در صدر جدول گل‌زنان قرار گرفت. سردار آزمون نیز هت‌تریک کرد. مهدی طرامی نیز دوبار موفق به باز کردن دروازه کامبوج شد. به جز این پنج نفر، احمد نوراللهی و محمدحسین کنعانی زادگان، گل‌زنان دیگر ایران در این مسابقه بودند. جدالی با ۱۶ امتیاز در صدر جدول گروه قرار داد. جدولی که در آن عراق و بحرین با چهار امتیاز، همچنان در تعقیب تیم ملی هستند.

«فوتبال هجومی» پر تکرار ترین عبارت در مصاحبه‌های ویلموتس قبل از مسابقه با کامبوج بود. او در زمین بازی ثابت کرد که تاکید زیادی روی این سبک بازی داشته و تیمش را برای رسیدن به یک پیروزی پر گل و یک طرغه، توجیه کرده است. مثلث هجومی تیم ویلموتس در این نبرد، به «مربع هجومی» تبدیل شد. چرا که علاوه بر سردار آزمون، کریم انصاری فرد و مهدی طرامی، محمد محبی نیز در ترکیب اصلی قرار گرفت. ویلموتس به جای دژا که مصدوم، یک مهاجم را به ترکیب اضافه کرد تا با حداکثر ظرفیت هجومی به مصاف حریف برود. کامبوج در دوم مسابقه قبلی، عملکرد خوبی را از خودش به جا گذاشته بود. آنها با هنگ‌کنگ به تساوی رسیدند و در جدال دوم، ۸۰ دقیقه

بدرخشند و گل بکارند. حالا بیشتر از آن که عکس‌ها و ویدئوهای به جا مانده از جریان بازی را مرور کنیم، با تصاویر مربوط به روز روشن سکوها سرگرم شده‌ایم. تصاویری که نشان از «شوق» و «میدواری» دارند. آن چه از بازی کامبوج به یادمان می‌ماند آن ۱۴ گل، بلکه این سه هزار هوادار هستند. تماشاگرانی که باشک از تونل آزادی عبور کردند، برای اولین بار چشم‌شان به محدوده سبز زمین افتاد و شاید برای اولین بار، یک مسابقه فوتبال را از نزدیک تماشا کردند. تماشاگرانی که حالا دیگر جای‌شان روی سکوها، خالی نبود.

روز مسابقه با کامبوج، پنج‌شنبه‌ای برای فراموش نکردن بود. پنج‌شنبه‌ای که از ورزشگاه آزادی یک «خانه» ساخت. نه یک قصر باشکوه اما یک خانه واقعی. حتی با چکه‌ابندی سقف‌ها و ساندویچ‌های تقاضی‌کننده حقوق بشر! خانه‌ای در غرب تهران. خانه‌ای برای خودمان. برای مردها و زن‌ها. این راه تازه شروع شده و این قدم‌ها، تازه برداشته شده‌اند. پس هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد اما فراموش نکنیم تا همین چند سال قبل حرف زدن از چنین ماجرای، «باور نکردنی» بود و حالا محدودیت‌ها، از همیشه کمتر شده‌اند. ظرفیت حضور

زن‌ها در استادبوم‌ها، باید بیشتر شود، فنس‌ها باید کنار بروند، این اتفاق

باید در دیدارهای لیگ برتر نیز رقم بخورد و در نهایت خانواده‌ها باید در ورزشگاه کنار هم بنشینند. همه این‌ها در ست‌ها هیچ دیواری، «یک‌شبه» فرو نمی‌ریزد. خیلی‌ها با اشاره به فنس‌ها و ظرفیت محدود، قصد دارند «به یأس» بخوانند، این شور و اشتیاق همگانی را نادیده بگیرند و همچنان از ناامیدی حرف بزنند. رسانه‌های فارسی‌زبان

اعضای خانواده بعضی از مهره‌های تیم، بین تماشاگرها حضور داشتند و این، یک فرصت فوق العاده برای ستاره‌های ایران بود که برای اولین بار در حضور «همه» اعضای خانواده، بدرخشند و گل بکارند

خارجی مغرزانه معتقدند که هنوز هیچ اتفاق بزرگی رخ نداده است. شاید همین، یعنی یک قدم بزرگ در آزادی برداشته شده است. یک قدم بزرگ که «تا امیدها» و «پهنانه‌گیرها» دوستش ندارند. مهمان‌های ضلع شرقی ورزشگاه، بالاخره روی آن سکوها ماندگار خواهند شد. دیر یا زود، این اتفاق بالاخره رخ می‌دهد.

آزادی را همیشه دوست داشته‌ایم. ورزشگاه بزرگ، پیر و سخاوتمند پایتخت را بخشی از بهترین خاطره‌های فوتبالی‌مان، روی همین چمن رقم خورده است. آزادی را همیشه دوست داشته‌ایم و حالا شاید کمی بیشتر، به این استادبوم دل ببندیم. حالا که دیگر هیچ کس مجبور نیست صدایش را کلفت کند، که دیگر گرم‌ها از تک و تانی افتند، که ریش، روی صورت دختران رنگ نمی‌شود و فرار و دلهره‌ای هم در کار نیست.

حالا که آدم‌ها از پایتخت، چیزی بیشتر از تکه پارچه‌های گریبان‌شان می‌خواهند. در اگر چه نیمه‌باز اما، منظره آن طرف پیداست. تصویری تازه از ورزشگاهی که دوستش داریم. زیباتر و بوقل‌تر از همیشه. جایی برای نزدیک تر شدن به رویاهای دور. جایی برای (تندرست) تپیدن قلب‌ها.

دروازه‌شان را برابر بحرین بسته نگه داشتند. همین تیم امداد آزادی، دست‌ها را بالا برد و تماشاگر گل‌زنی ستاره‌های ایران شد. البته که دروازه‌بان کامبوج به ویژه در نیمه اول، چند سیودینی نیز داشت و این نتیجه در حالی رقم خورد که دو بار، تیر دروازه به کمک کامبوج آمد و رامین رضاییان نیز چند فرصت خوب برای گل‌زنی را هدر داد. شاید بهترین عضو کامبوج در این مسابقه، تماشاگری بود که به تنهایی روی سکوها آزادی، ۹۰ دقیقه دست از تشویق تیمش برنداشت و حتی بعد از خوردن ۱۴ گل، تشویق تیم ملی کشور را متوقف نکرد. داگر بازیکنان درون زمین به اندازه او به خودشان باور داشتند، بدون تردید چنین نتیجه‌ای برای آنها رقم نمی‌خورد. در خلاف چیزی که تصور می‌شود، کامبوجی‌ها با وجود ضعف تیم ملی‌شان، به چنین نتایجی عادت ندارند. این باخت ۱۴ گله، سنگین‌ترین شکست تاریخ این کشور به شمار می‌رفت.

مسابقه با کامبوج، چیزی بیشتر از یک تمرین جدی و روحیه‌بخش برای تیم ملی نبود. این تیم سه‌شنبه، در جوسخت و سنگین منامه با بحرین مسابقه خواهد داد. آخرین تجربه حضور تیم ملی در این شهر، به یک تساوی دشوار در دقایق پایانی انجامیده بود. همه ستاره‌های ایران، باید گل‌بازان کامبوج را از یاد ببرند و برای جدال‌های مهم بعدی آماده باشند. چرا که کار صعود به مرحله دوم دور مقدماتی، حسی با وجود این پیروزی پر گل، هنوز قطعی نشده است.

اطراف تیم، حاشیه‌ای به وجود نیارود. این رفتار تحسین برانگیز به نظر می‌رسد اما کاش فوتبال ایران، او را هم به مرور زمان تغییر ندهد. کاش مدیران کار نابلد و خبر ناها را، از او هم یک چهره دیگر برای فوتبال ایران نسناسند. ویلموتس باید با همین اخلاق و همین روحیه، به کارش ادامه بدهد تا یکی از بهترین دوره‌های تاریخ تیم ملی را رقم بزند. فوتبال تیم او، به شدت سرگرم‌کننده به نظر می‌رسد و آقای مربی به جای فرستادن هر ۱۱ بازیکن به لاک دفاعی، با شهامت و جسارت به مصاف رقبا می‌رود. اگر اوضاع به همین منوال بماند، شاید او طلسم‌های بزرگی را برای همیشه در فوتبال ایران باطل کند. تا امروز همه چیز خوب پیش رفته است. البته که هنوز آزمون‌های بزرگ و روزهای دشوار تری در راه هستند اما این نگاه روحیه‌همیشه مثبت مردم دل‌زکی، می‌توان دست به کارهای فوق العاده‌ای زد.



در رنکینگ فیفا نیز نمی‌گذار. شاید اگر هنوز سرمربی قبلی، روی نیمکت ایران ننشسته بود، تیم ملی عراق را شانس اصلی صعود از این گروه می‌دانست و رویای بزرگ مردم ایران را صعود به عنوان تیم دوم از این گروه عنوان می‌کرد اما ویلموتس تا امروز حتی یک مصاحبه درباره دشوار

بود گروه ایران در این مرحله انجام نداده است. ویلموتس برای «فوتبال» به ایران آمده و قصد ندارد اینجا یک «دیکتاتوری» تمام‌عیار با استفاده از دستیارها و مترجمش در ایران راه بیندازد. او هنوز دستمزدش را دریافت نکرده اما به سوال‌ها در مورد مسائل مالی، پاسخ نداده تا در